

دولت انتصابی فیاض و چالش‌های پیش‌رو

احمد نظری

دولت انتصابی سلام فیاض چندی پیش مجددا در حضور محمود عباس سوگند یاد کرد تا دوران کاری خود را عملا تمدید کرده باشد. فیاض بیش از دو ماه پیش با ادعای کمک به آشتی میان فتح و حماس از سمت خود استعفا داده بود اما تقریبا مطمئن بود که مجددا از جانب عباس، مسوؤل تشکیل دولت خواهد شد. در این مدت انتقادهای بسیاری به دولت فیاض وارد بود. بخشی از این انتقادها جنبه هویتی داشت یعنی فلسطینیان اساسا هویت این گروه را زیر سوال می‌برند و بر این باور بودند که باتوجه به این موضوع که بر خلاف قانون اساسی فلسطین دولت انتصابی فیاض به پارلمان نرفته و خود را به نمایندگان منتخب مردم فلسطین عرضه نکرده است فاقد مشروعیت است. گروه دیگری نیز عملکرد دولت انتصابی سلام فیاض را زیر سوال می‌برند. این گروه بر این باور بودند که دولت سلام فیاض عملکردی بسیار ضعیف داشته است به همین دلیل بارها در دوران حکومت فیاض شاهد اعتراض‌های متعدد صنفی از جانب اشرار مختلف مردم بودیم. افزون بر این، عملکرد سلام فیاض نیز در جریان بازسازی غزه هیچ جای دفاعی نداشت. البته طبیعی به نظر می‌رسید که تشکیلات خودگردان مادامی که با ارتش عبری دست در دست هم به جنگ حماس می‌روند، برای بازسازی غزه هیچ اقدامی انجام نخواهند داد، از این رو تمامی مبالغی که از جانب مجامع بین‌المللی و دولت‌ها برای کمک به مردم غزه تخصیص داده شده بود، نه‌تنها صرف این منطقه نشد که تماما جیب افرادی نظیر سلام فیاض و محمد دحلان و دیگر اعضا و سران رژیم صهیونیستی را پر کرد.

در حال حاضر نیز تشکیل مجدد دولت انتصابی فلسطین به نخست‌وزیری سلام فیاض را باید آخرین میخ بر تابوت مذاکرات گروه‌های فلسطینی دانست چرا که ابومازن عملا بااین اقدام بر مذاکراتی که می‌توانست همگرایی گروه‌های فلسطینی را در پی داشته باشد، خط قرمز کشید. فارغ از آنکه محمود عباس به عنوان کسی که دوران زعامتش بر تشکیلات خودگردان در ۲۰ دی‌ماه سال گذشته پایان یافته و صلاحیت عزل و نصب دولتی را ندارد، این دولت انتصابی جدید نیز مانند دولت قبلی خود را به رأی پارلمان نگذاشت و این دو موضوع سبب می‌شود که دولت سلام فیاض کماکان دولتی فاقد هرگونه مشروعیت قلمداد شود و با بحران مشروعیت موجود دست و پنجه نرم کند. از سوی دیگر تشکیل این دولت را به دستور ابومازن باید مانور تشکیلات خودگردان فلسطین در تقابل با حماس دانست. پس از آنکه حماس در جریان مذاکرات قاهره خواسته‌های زیاده‌خواهانه تشکیلات خودگردان را نپذیرفت، دولت جدید به تهدید خود عمل کرد و با تشکیل دولتی جدید عملا سناریوی تشکیل دولت وحدت ملی را در آتش انداخت و سوزاند. حال آنکه از ابتدای مذاکرات نیز مشخص بود که حماس شروط تشکیلات خودگردان مبنی بر اصلاح قانون انتخابات، بازسازی غزه و همچنین اداره امنیت غزه به دست فتح را نخواهد پذیرفت. به واقع تشکیلات خودگردان با اداره غزه از سوی خود و پذیرفتن مسوؤلیت بازسازی این منطقه جنگرده تلاش داشت که حماس را مسوؤل جنگ و خرابی و نابودی غزه و خود را مسوؤل بازسازی آن نشان دهد تا از این رهگذر بتواند آرای این مردم را نیز برای انتخابات آتی فلسطین به خود اختصاص دهد و محبوبیت قابل توجهی میان آنها به دست آورد.

در حال حاضر و در دولت جدید و انتصابی سلام فیاض علاوه بر اینکه هیچ نماینده‌ای از حماس وجود ندارد، جنبش فتح نیز به علت آنکه محمودعباس برای تشکیل دولت هیچ مشورتی با آنها نکرده است دولت را تحریم کردند تا اختلافات داخلی آنها بیش از هر زمان دیگری نمایان شود. اکنون کابینه انتصابی جدید شامل ۲۴ وزارت‌خانه است و سلام فیاض افزون بر مقام نخست‌وزیری، پست وزارت دارایی را هم در اختیار دارد.

هفت تن از وزبران کابینه جدید در دولت قبلی سلام فیاض نیز حضور داشته‌اند و بقیه آنها چهره‌های تازه‌ای هستند. با این وجود با مخالفت گسترده گروه‌های فلسطینی و حتی فتح، نمی‌توان هیچ آینده روشنی را برای این دولت انتصابی پیش‌بینی کرد و اساسا انتظار انجام فعالیت‌های مثبت نیز از این دولت انتصابی واهی به نظر می‌رسد و دولت سلام فیاض تنها روی کاغذ دولت انتصابی فلسطین است و کارایی نخواهد داشت، چنانکه حکومت دور قبل سلام فیاض نیز این مسأله را به عینه ثابت کرد. به نظر می‌رسد در حال حاضر امید محمود عباس تنها به مصر به عنوان متحد قدیمی خود است. ابومازن از دولت قاهره انتظار دارد که از طریق فشار بر گروه‌های مختلف فلسطینی زمینه را برای به رسمیت شناختن شدن دولت تک‌نواکرات سلام فیاض مهیا کند. این در حالی است که دولت مصر عملا هیچ تسلطی بر حماس ندارد و اساسا فاصله حماس با دولت قاهره بسیار زیاد است و شکست مذاکره قاهره نیز این مسأله را به خوبی اثبات کرد. سفر چندی پیش محمود عباس به دمشق نشان داد که ابومازن به سران سوریه دل بسته است و تلاش دارد با استفاده از نفوذ دمشق بر گروه‌های مقاومت فلسطینی بوزنه حماس به عنوان دولت منتخب فلسطین، راه را برای پذیرش دولت انتصابی سلام فیاض مهیا کند؛ سناریویی که فاصله بسیاری با واقعیت دارد.

افزایش تحرکات شبه‌نظامیان طالبان در شمال پاکستان در هفته‌های اخیر با نگرانی‌های فراوانی از جانب مقامات آمریکایی همراه بود و سرانجام ارتش پاکستان را بر آن داشت تا با دخالت نظامی، این گروه را مجبور به عقب‌نشینی گسترده از این مناطق کند. وولف بلیتزر، تحلیلگر سرشناس CNN در جریان سفر اخیر آصف‌علی زرداری، رئیس‌جمهوری پاکستان به آمریکا و ملاقات او با باراک اوباما با وی مصاحبه‌ای انجام داده که از نظر خوانندگان می‌گذرد.

■ **آقای زرداری!** در هفته‌های اخیر خطرات بسیار زیادی دولت و حاکمیت شما را در پاکستان تهدید کرده است، شما در باره این تهدیدها چه موضعی دارید؟

اگر اجازه داشته باشم، می‌خواهم عبارت شما را اصلاح کنم. خطرانی که شما به آن اشاره می‌کنید، تهدید دولت پاکستان نیست، بلکه تهدیدی برای امنیت بویژه امنیت ارتش و پلیس پاکستان است. اتفاقات اخیر خطری برای دولت ایجاد نمی‌کند و قرار نیست حالا که گروهی در جایی از پاکستان کوه یا درمای را تصرف کرده، دولت من سقوط کند.

■ **آقای زرداری!** همانطور که می‌دانید بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اعضای طالبان کم کم توانسته‌اند به مناطق شمالی پاکستان نفوذ و آنجا را به پایگاه اصلی خود تبدیل کنند. شاید حضور آنها در آن منطقه خیلی برای شما مایه نگرانی نباشد اما آمریکا شدیدا نگران این است که مناطق شمالی پاکستان به پایگاهی برای هجوم دوباره طالبان به افغانستان تبدیل شود. این‌طور که از اخبار و شواهد برمی‌آید، طالبان در این منطقه به تسلط کامل رسیده و وضعیت کاملا متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده است. به نظر شما تصویری که امروز از حضور طالبان در اذهان عمومی وجود دارد تصویر درستی است؟

بله، تصویر نسبتا درستی است، اما در آن کمی اغراق به چشم می‌خورد.

■ **چه اغراقی؟**

اغراق از این جهت که این جماعت مدت‌هاست در این منطقه حضور داشته‌اند و حضور آنها به امروز، دیروز و چند هفته گذشته مربوط نمی‌شود.

■ **منظور شما از این جماعت همان طالبان است؟**

بله، طالبان هم مشمول همین جریان است. آنها به لحاظ تاریخی به این منطقه تعلق دارند، آنها قومی هستند قدیمی که از این خاک جدا نمی‌شوند. برای اینکه جواب روشن‌تری به شما بدهم، باید بگویم آمریکا نیز در ۱۰ سال گذشته در این منطقه بویژه امریکا اگر آمریکا مکان و محل دقیق حضور رهبران آنها را تشخیص ن داده از ما انتظار نداشته باشید محل آنها را به شما نشان دهیم. ما همه اینها دولت و ارتش پاکستان برای اثبات حسن نیت خود با آنها وارد جنگ شده و نبرد سنگینی را هم پشت سر می‌گذارند. ما در بونر، دیر و بوجر مهندم با آنها در گیر شده و آنها را بیرون رانده‌ایم. ■ **اما شما وقتی به جنگ آنها رفتید که پیش‌تر با این گروه‌های مرتبط با طالبان توافقنامه امضا کرده بودید. آیا توافق‌های قبلی شما با آنها به کل از بین رفته و دیگر اعتباری ندارد؟**

توافقی که شما به آن اشاره می‌کنید به زمان دولت موقت برمی‌گردد، در آن وقت توافق شد که اگر آنها اسلحه‌های خود را کنار بگذارند، دولت نیز با ورودی آشتی‌جویانه با آنها بر‌خورد کند و با آنها وارد صحبت شود.

■ **اما شما به آنها اجازه می‌دهید قوانین خاص خود را در آن منطقه اجرا کرده و شریعت را بپایه کنند.**

ببینید، این از بی خبری محافل غربی است که فکر می‌کنند شریعت و قوانین آن، چیز جدیدی است و اجرای آن به طالبان محدود می‌شود. قانون شریعت در حال حاضر در همه نقاط پاکستان در حال اجرات است و بایه قوانین و حقوق مردم است. ما به طالبان مجوز اجرای هیچ نظام حقوقی خاصی را ندی‌دهیم. ■ **اما هنوز می‌شنویم در این منطقه زنان حق خروج از منزل را ندارند، مگر کاملا پوشیده باشند و در کنار همسر یا مرد مورد اعتماد دیگر این کار را انجام دهند. این تفسیر آنها از قوانین شرع است و لزوما به این**

انتخابات لبنان حدود ۱۵ روز دیگر یعنی ۷ ژوئن (۱۷ خردادماه) برگزار خواهد شد. این انتخابات با توجه به شرایط موجود در منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است و گروه‌های مختلف در لبنان مدت‌هاست برای پیروزی در این انتخابات دورخیز کرده‌اند و امیدوارند بتوانند اکثریت را در پارلمان به دست آورند و دولت تشکیل دهند. در شرایط کنونی اوضاع و احوال کاملا به نفع گروه ۸ مارس به رهبری حزب‌الله است و نظرسنجی‌ها حاکی از پیروزی این گروه در انتخابات آتی است. این موضوع نگرانی شدید گروه ۱۴ مارس (حامیان دولت) که سعد حریری، رئیس جریان المستقل این را رهبری می‌کند و حامیان خارجیشان آنها را به دنبال داشته است بنابراین از مدت‌ها قبل تکلپوهای خارجی و داخلی برای ممانعت از پیروزی حزب‌الله و متحدانش در انتخابات آغاز شده است. عربستان با ارسال دلارهای نفتی برای متحدان خود از آنها خواسته است تا با استفاده از تمامی هزینه‌های موجود حتی خرید رأی، کماکان اکثریت پارلمان را در اختیار خود نگه دارند. مصر نیز از چندی پیش جنگ روانی شدیدی را علیه مقاومت به راه انداخته است تا بتواند از اقبال مردمی به حزب‌الله در جریان انتخابات پارلمانی بکاهد. این انتخابات برای ایالات متحده نیز از اهمیت وافر برخوردار است. هر چند که لبنان کشوری بسیار کوچک محسوب می‌شود اما همگان به خوبی می‌دانند که لبنان به نوعی مرکز ثقل تحولات خاورمیانه بوده و تصمیماتی که در این کشور اتخاذ می‌شود بر کل منطقه تأثیر گذار است. از این رو بازیگران خارجی بشدت درصدد ایجاد یا حفظ نفوذ خود بر این کشور هستند.

بین‌الملل

مصاحبه با آصف‌علی زرداری، رئیس‌جمهوری پاکستان

به طالبان مجوز اجرای نظام حقوقی خاصی را نمی‌دهیم



هزینه‌های مبارزه نیروهای ارتش بویژه در مناطق قبائلی شده به طوری که در ۱۰ سال گذشته بیش از ۱۲۵ هزار سرباز پاکستانی در این مناطق با القاعده و طالبان جنگیده‌اند که هزینه واقعی این مبارزه بسیار بیش از آن بوده است.

■ **آیا مایلید سربازان آمریکایی برای کمک به شما به پاکستان بیایند؟**

فکر نمی‌کنم سربازان آمریکایی خودشان هم مایل باشند به پاکستان بیایند!

■ **اما اگر زنا باشد از آمریکا کمک بگیرید این گزینه نیز گزینه مهمی است و فکر می‌کنم شما هم به آن تمایل داشته‌باشید.**

نه، اصلا اینطور نیست. مراد ما از کمک آمریکایی‌ها بیشتر تقویت تجهیزات و تسلیحات است بویژه در کارهای اطلاعاتی که نیاز اصلی ماست. ما به لحاظ نیروی انسانی و پرسنل نظامی اصلا در مضیقه نیستیم و حضور سربازان آمریکایی می‌تواند نتایج منفی‌ای نیز به همراه داشته باشد.

■ **اما آقای زرداری رابرت گیتس اخیرا در اظهارات خود تلویحا اشاره کرده قصد دارد پای سربازان آمریکایی را به خاک پاکستان باز کند، گرچه از عدم تمایل دولت شما اطلاع داشته است.**

فکر می‌کنم صحبت‌های اخیر گیتس در قالب یک بیانیه بوده و نمی‌توان از آن چنین برداشتی داشت. به هر حال ما موضع رسمی خود را در باره اعلام کرده‌ایم. علاوه بر این، من به آمریکا پیشنهادم که یک کاروان سرباز آمریکایی را با خود به پاکستان ببرم، من امدام تا برای دموکراسی نوپایی که در پاکستان تاسیس کرده‌ام حمایت بیشتری جلب کنم. در این هفت ماه و نیمه‌ی که در قدرت بوده‌ام کارهای انجام داده‌ام که پرویز مشرف، اصلا فکرش را هم نمی‌کرد. من برای نشان دادن اینها به واشنگتن امدام.

■ **به‌عنوان آخرین سوال، آقای زرداری! من درست هم‌چنان و درست روی صندلی‌ای که الان نشسته‌اید، با همسر فقید شما پیش از بازگشتش به پاکستان، تورو او مصاحبه کردم. همه ما هنگام بازگشت او به پاکستان برایش نگران بودیم و وقتی برگشت، بدترین سناریو برای او اتفاق افتاد. شما چقدر نگران امنیت خود هستید؟**

ببینید، من هم همیشه در پس‌زمینه ذهن خود با تهدیدهای متنوع دست به گریبان هستم و با آنها مقابله می‌کنم اما مسأله مهم‌تر در میان است. بوتو به پاکستان آمد و توجهات را به خود جلب کرد. برای براندازی یک دیکتاتور، تلاش کرد و با روح خود، با نام خود و با فلسفه خاص خود برای دموکراسی و تحقق آن تلاش کرد تا ما امروز دموکراسی را به دست بگیریم

و حالا هم این اطمینان را به شما می‌دهم که با همان روحیه و با همان فلسفه ما بالاخره طالبان را شکست می‌دهیم.

جمعه در جریان سفری غیرمنتظره وارد بیروت شد. سفر در مقام عالی‌رتبه ایالات متحده به لبنان که ظرف کمتر از یک ماه انجام شده است به خوبی نشان‌دهنده عمق اهمیت لبنان برای واشنگتن است. جوزف بایدن بعد از ورود به فرودگاه بین‌المللی بیروت با بالگردی آمریکایی به شرق پایتخت لبنان رفت تا با میشل سلیمان، رئیس‌جمهور این کشور در کاخ عبدا دیدار و گفت‌وگو کند. وی در جریان این دیدار خود بر تعهد ایالات متحده بر حمایت از دموکراسی در لبنان تأکید کرد. به این حال ناظران سیاسی دو دلیل عمده را برای سفر معاون اوباما به بیروت بیان می‌کنند. این افراد معتقدند در واشنگتن زمزمه‌هایی درباره مذاکرات ایالات متحده با سوریه شنیده می‌شود و آمریکا تلاش دارد که با دمشق پای میز مذاکره بنشیند. بایدن در جریان این سفر کوشید که به متحندان ۱۴ مارس خود تضمین دهد که این مذاکرات در روابط آمریکا و ۱۴ مارس خلی ایجاد نکرده و واشنگتن این گروه را به دمشق نخواهد فروخت. از سوی دیگر و در آستانه انتخابات پارلمانی، بایدن با سفر به بیروت کوشید تا بار دیگر حمایت خود را از ائتلاف ۱۴ مارس اعلام دارد. در شرایطی که ایالات متحده از هیچ کوششی برای پیروزی گروه ۱۴ مارس خلی ایجاد نکرده و واشنگتن نکرده و حتی سفارت این کشور در بیروت تبدیل به ستاد انتخاباتی ۱۴ مارس شده است، بسیاری بر این باورند که پیروزی احتمالی گروه ۸ مارس به رهبری حزب‌الله در انتخابات پارلمانی می‌تواند ضربهای جبران‌ناپذیر به ایالات متحده تلقی شود که موجب کورتز شدن گروه راهبردهای کاخ سفید در خاورمیانه خواهد شد.

مجموع دولت و ارتش پاکستان با اطلاعاتی که در دست دارند بهتر می‌توانند اهداف طالبان و القاعده را شناسایی کنند.

■ **آقای زرداری!** خیلی از مردم پاکستان بویژه نسل جوان این کشور می‌خواهند بدانند چرا دولت کشورشان قادر نیست مشکلاتی را که خودش به وجود آورده حل کند و برای حل آنها باید دست به دامن آمریکا شود. همیشه

نیز مسأله‌ای برای جلب افکار عمومی در پاکستان وجود دارد و تقریبا این کشور کمتر آرامش را به خود می‌بیند.

مشکل اصلی ما نبود دموکراسی است که سال‌ها پاکستان و پاکستانی‌ها را آزار داده است. ما تازه شروع کرده‌ایم و مطمئن باشیید دموکراسی را به مردم هدیه خواهیم کرد.

ما با انتخاب من به عنوان رئیس‌جمهور، مردم پاکستان عملا به دموکراسی آری گفتند و نشان دادند از سيطرة طالبان و طالبانسم در این کشور بیزارند.

■ **مسأله دیگری که درباره دولت پاکستان وجود دارد، روابط شکننده اسلام‌آباد و دهلی است که در پی حوادث اخیر بمبئی وضعیت وخیم‌تری به خود گرفت و همچنان نیز تنش‌ها وجود دارد، باراک اوباما نیز در جهت گیری‌های اخیر خود پیرامون پاکستان، روی این مسأله تأکید می‌کند و به دنبال این است که تنش‌ها را بین این دو رقیب دیرینه حل کند. فکر نمی‌کنید تنش با هند اصلی‌ترین چالش هر دولتمردی در پاکستان باشد؟**

ببینید، دولت‌های دموکراتیک پاکستان و هند هیچگاه با هم وارد جنگ نشده و حتی فکر جنگ و درگیری نظامی را هم از سر بیرون کرده‌اند. این نظامی‌ها بوده‌اند که همواره نسبت به هم خصومت داشته‌اند. اوباما به درستی اشاره می‌کند که لجابت با هندوستان و کهنه‌وزی به آن بزرگ‌ترین خطر برای پاکستان است. ما به نوبه خود در روابط با هندوستان خواهان صلح با این کشور هستیم و حتی می‌خواهیم روابط مالی و تجاری خود را با آنها گسترش دهیم. من خود به شخصه در بازارهای هندوستان برای اجناس و کالاهای پاکستانی بازرایی می‌کنم تا رابطه صنعت پاکستان با بازار گسترده هند بیشتر شود. من منتظر پایان انتخابات هند هستم تا تمام این جوسازی‌ها به پایان برسد و من با خیال راحت و صبر و حوصله بیشتر دور جدید گفت‌وگوها را با مقامات هندی طراحی کنم.

■ **بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا گمان می‌کنند بخش اعظم کمک ۱۰میلیارد دلاری آمریکا به پاکستان ۱۱ز سپتامبر ۲۰۰۱ به حال، به جای اینکه صرف تقویت زیرساخت‌ها و مقابله با طالبان و القاعده شود، صرف تقویت تسلیحات نظامی برای مقابله با هندوستان و حتی تهدید این کشور شده است. شما چطور می‌توانید این نگرانی را برطرف کنید؟**

۱۰ میلیارد دلاری که از آن صحبت می‌کنید در ۱۰ سال پرداخت شده و تقریبا سالی یک میلیارد دلار دست ما را گرفته است. این رقم هم تا به حال صرف کرده‌ایم.

■ **آمریکایی‌ها چنین چیزی را می‌پذیرند؟** هنوز در حال گفت‌وگو هستیم، ظاهرا مخالف نیستند، اما موافقتی هم در کار نبوده است.

■ **یعنی شما از اوباما دقیقا خواستید که اختیار این پروازها را به شما بدهد؟**

بله، ما برای کسب فناوری به‌طور مستقیم تلاش کردیم.

■ **آمریکایی‌ها چنین چیزی را می‌پذیرند؟** هنوز در حال گفت‌وگو هستیم، ظاهرا مخالف نیستند، اما موافقتی هم در کار نبوده است.

■ **یعنی شما از اوباما دقیقا خواستید که اختیار این پروازها را به شما بدهد؟**

بله، ما برای کسب فناوری به‌طور مستقیم تلاش کردیم.



آمریکای اوباما نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. حدود یک ماه پیش هیلاری کلinton، وزیر خارجه ایالات متحده در جریان سفری ناگهانی وارد بیروت شد و با بسیاری از سران این کشور دیدار کرد. وی کوشید تا از

دیدگاه فلسطین و الگوی حزب‌الله

راهکار همگرایی فتح و حماس

شاید بتوان اختلافات موجود میان گروه‌های فلسطینی را در برهه کنونی ریشه‌دارتر از هر زمان دیگری دانست. جدا شدن غزه و کرانه باختری از یکدیگر، آغاز این اختلافات بود. جنگ غزه نیز اختلاف‌های موجود میان گروه‌های فلسطینی به رهبری حماس (نماینده گروه‌های اسلام‌گرا) و فتح (نماینده گروه‌های سکولار) را بشدت تشدید کرد. پس از جنگ غزه نیز گالی اشکنازی، رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی تأیید کرد که فتح در دوران جنگ ۲۲ روزه با تمام وجود از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کرده است. فتح در آن برهه نه‌تنها از رژیم صهیونیستی حمایت اطلاعاتی به عمل می‌آورده است، بلکه در برخی مواقع شبه‌نظامیان این گروه رسماً وارد میدان جنگ شده و در کنار سربازان رژیم صهیونیستی علیه حماس و مقاومت می‌جنگیدند. تمامی این موارد سبب شد که اختلافات فتح و حماس بیش از پیش عمیق شود، از این رو در مذاکراتی که چند دور آن در قاهره برگزار شد، دو طرف به‌رغم ضرب‌الاجل مصر نتوانستند به توفیقی دست یابند و مذاکرات این گروه‌ها با شکست مواجه شد. این شکست معلول چند علت مهم و اساسی بود. اول آنکه دولت مصر به عنوان دولتی که بارها و صراحتا از فتح حمایت کرده و از طرف دیگر برای به زیر کشیدن حماس از هیچ کوششی دریغ نکرده است، نمی‌تواند گزینه مناسبی برای میانجیگری باشد چرا که نخستین شرط میانجیگری، یعنی بی‌طرف بودن را ندارد. افزون بر این، ادعاهای زیاده‌خواهانه فتح نیز سبب شده است دو طرف نتوانند به توافقی با یکدیگر دست یابند. فتح در حال حاضر حمایت بی‌کم و کاست رژیم صهیونیستی را در پشت سر خود می‌بیند و به حمایت‌های این رژیم دلگرم است. حتی صهیونیست‌ها به منظور حمایت از فتح، چندین تن از نمایندگان وابسته به حماس را در پارلمان فلسطین بازداشت کردند تا پارلمان را از دست حماس خارج کرده، مقاومت را از اکثریت انداخته و عرصه را برای جولان و تاخت و تاز محمود عباس و تشکیلات خودگردان باز کنند. افزون بر این، فتح حمایت کشورهایی نظیر عربستان سعودی را نیز در پی خود می‌بیند که با تزریق دلارهای نفتی خود تلاش دارند خط فتح را به عنوان گروهی که از مقاومت فاصله گرفته و رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد تقویت کنند. مهم‌تر از همه اینها حمایت ایالات متحده از ابومازن است. تمامی این عوامل سبب شده است تشکیلات خودگردان به رهبری ابومازن با توهم قدرت مواجه شود، از این رو تشکیلات خودگردان با این توهم که بسیار از حماس قدرتمندتر است به پای میز مذاکره با مقاومت می‌نشیند و تلاش می‌کند خواسته‌های غیرمعمول خود را به حماس تحمیل کند. حال آنکه به واقع قدرت حماس بسیار بیشتر از فتح است و مقاومت با توسل به پشتوانه مردمی خود به هیچ وجه تن به سیاست‌های تحمیلی فتح نمی‌دهد. حمایت‌های مردمی از حماس پس از جنگ غزه روندی رو به رشد دارد و در برهه کنونی هیچ گروهی در فلسطین با این میزان اقبال مردمی مواجه نیست. از سوی دیگر برتری نظامی حماس بر تشکیلات خودگردان نیز غیرقابل انکار است. اقدامی که نزدیک به دو سال پیش رخ داد و در جریان آن مقر تشکیلات خودگردان و دفتر ابومازن ظرف مدت چند ساعت به تصرف حماس درآمد و از آن مهم‌تر پیروزی مقاومت در جریان جنگ غزه و شکست نظامیان صهیونیست و شبه‌نظامیان تشکیلات خودگردان نشان از قدرت بالا و روزافزون حماس دارد. با این تفاسیر مشخص است که حماس از هیچ تصمیمات یکجانبه تشکیلات خودگردان را به هیچ وجه نپذیرا نخواهد شد و از آن سر باز خواهد زد.



با این توصیفات به نظر می‌رسد که گروه‌های فلسطینی فاصله بسیاری با همگرایی داشته باشند و بی‌شک جوب این اختلافات را خود فلسطینی‌ها خواهند خورد. در این شرایط رژیم صهیونیستی به راحتی مدعی می‌شود که با وجود واگرایی شدید گروه‌های فلسطینی به هیچ‌وجه امکان مذاکره با آنها وجود ندارد و با استفاده از این حربه می‌تواند طرح‌های زیاده‌خواهانه خود را راحت‌تر از هر زمان دیگری دنبال کند و کماکان بر مسأله عدم بازگشت آوارگان، عدم تعلق بیت‌المقدس به فلسطینیان، ممانعت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی و… پافشاری کند.

به نظر می‌رسد که تنها راه نجات گروه‌های فلسطینی استفاده از الگوی گروه ۸ مارس به رهبری حزب‌الله در لبنان باشد. حزب‌الله لبنان نشان داده است که برای حفظ وحدت و ثبات همگرایی در میان متحندان خود از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کند. چندی پیش که اختلاف گروه امل به رهبری نیه بری و جریان آزاد ملی به رهبری ژنرال میشل عون بود و هیچ یک حاضر نبودند بر سر یک کرسی پارلمان در منطقه جزین کوتاه آمده و آن را به دیگری واگذار کنند، حزب الله در نهایت فداکاری یک کرسی از کرسی‌های خود کاست و آن را به متحندان داد تا اختلاف میان آنها حل شود و از واگرایی در ائتلاف از ۸ مارس ممانعت به عمل آید. اجرای این الگو حتی با مقیاسی بسیار کوچک‌تر در فلسطین می‌تواند بسیاری از مشکلات این کشور را حل و فصل کند.